



# قولی عمومی جهاد کبر



بیانات حجۃ الاسلام و المسلمین محمد باقر جواد حاج علی اکبری

در جمع مربیان و شبکه پشتیبان خاوران  
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

جلسه ۹ - مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۱



- ارکان اربعه سلوک
- مشارطه با نفس
- ۱. برنامه‌ریزی ما جامعیت داشته باشد
- ۲. در برنامه‌ریزی اولویت‌ها لحاظ شود
- رعایت منهیات و محرمات در برنامه‌ریزی
- زیست عقیفانه
- نقاط قوت و ضعف خودمان را بهتر بشناسیم
- ۳. برنامه‌ریزی طبق محکمت الهی
- توصیه بزرگان بر ترک گناه
- تاکید بر رعایت برخی از مستحبات
- ۴. ادب مراعات در برنامه‌ریزی و مشارطه
- ۵. زمان‌بندی در برنامه‌ریزی
- درنظر گرفتن برنامه ورزشی
- سوالات مخاطبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّهِمْ

باشد. این را در جلسه گذشته به توفیق الهی توضیحاتش را عرض کردم و خلاصه مطلب این بود که هم در مقام برنامه‌ریزی هم در مقام مراقبت و هم در مقام محاسبه و ارزیابی و هم در پایان در مقام معاتبه، انسان یک نظم روشنی را در برنامه سلوکی خودش داشته باشد. در کلمات اهل معرفت عرض کردیم به این نظم سلوکی می‌گویند ارکان «اربعه سلوک». یعنی چهار رکن اصلی که باید در خودسازی و در مقام جهاد اکبر انسان این‌ها را مدنظر داشته باشد و به آن مجهز باشد. در جلسه گذشته کلیات این مسئله را خدمت‌تان تقدیم کردم. یعنی اهمیتش، ضرورت این‌که باید یک چنین نظمی در برنامه سلوکی انسان حاکم باشد و راجع به هر کدام هم یک اشارتی در معنای هر یک داشتیم. یک نکته را هم اضافه کردیم و آن این‌که طبق قاعده انسان مؤمن باید بهره‌مند از ظرفیت

ایام پربرکت ماه ذی‌حجه، روزهای پایانی این ماه، با تأخیر عید سعید غدیر و قبلاً عید بزرگ مباهله و ایام نورانی پیش‌رو را به همه شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدوارم خداوند تبارک و تعالی از برکات بی‌پایان این ایام که متعلق است به امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) همه ما را بهره‌مند کند. شما عزیزان، خانواده‌ها، همه ان‌شاءالله بهره‌مند بشویم.

## ارکان اربعه سلوک

خاطر مبارکتان باشد بحث ما در باب «قواعد عمومی جهاد اکبر» بود و در سیر این قواعد رسیدیم به یکی از مهم‌ترین موضوعات که عبارت است از بهره‌مندی از نظم سلوکی. عرض کردیم یکی از این قواعد این است که انسان سالک دارای نظم سلوکی



## مشارطه با نفس

می‌رویم سراغ رکن اول که عبارت است از مشارطه. این‌جا مشارطه به معنای همان برنامه‌ریزی است. یعنی شرط کردن با خود که انسان چیزهایی را با خودش شرط کند. قرارهایی را با خودش بگذارد که طبق این قرار بخواهد عمل کند. این می‌شود به اصطلاح امروز خود ما همین برنامه‌ریزی، داشتن برنامه. بحث داشتن برنامه و اهمیت آن و تأثیر حیاتی که در زیست سلوکی انسان دارد جزء موضوعات پذیرفته شده است. یعنی خیلی نیازی به استدلال ندارد که ما بخواهیم کلی استدلال کنیم تا ضرورت برنامه‌ریزی را مشخص کند. منتها این‌جا یک تأکیدی وجود دارد و آن تأکید این‌که چون ما در این برنامه‌ریزی مواجهه‌مان با یک پدیده بسیطی نیست؛ یعنی شما مثلاً در یک جبهه ساده مواجه نمی‌شوید، در یک جبهه پیچیده دارید وارد

خودتشویقی و خودتنبیهی باشد. موضوع تشویق را هم که استبشار بود در این زمینه یک توضیحی دادیم که در آن ارکان اربعه نیست. آن‌جا معمولاً با معاتبه مسئله را جمع‌بندی می‌کنند. در معاتبه هم فرض بر این است که شخص اگر احیاناً مرتکب تخلف شده باشد از قرار الهی که دارد، خب با خودش چگونه مواجه می‌شود؟ این بیشتر مدنظر بود. اما حالا اگر موفق شد چگونه باشد این کمتر مورد توجه قرار گرفته، علت هم داشته که در جلسه گذشته این‌ها را عرض کردیم. و اما قرار این جلسه ما این شد که درباره هر یک از این ارکان چهارگانه ملاحظاتی و نکته‌هایی را که گاهی یک مقداری هم کاربردی باشد خدمت عزیزان تقدیم می‌کنم.



باید برای هر ذره ذره‌اش در آن گردنه‌های سخت معطل بشود و پاسخگو باشد. گاهی ممکن است گرفتار حبس‌های طولانی بشود. لذا چون طرف ما نفس اماره است و به تعبیر قرآن کریم که «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»<sup>۱</sup>؛ و من در جلسات اول این را یک مقدار از مناظر گوناگون مباحثه کردم، بنابراین روی مسئله برنامه‌ریزی باید تأکید کنیم. این همان قرارهایی است که انسان با خودش می‌گذارد. این پس کلیت مسئله. چند نکته را هم خوب است در این برنامه‌ریزی مدنظر قرار بدهیم. چند نکته است.

### ۱. برنامه‌ریزی ما جامعیت داشته باشد

۱- برنامه‌ریزی ما و این مشارطه ما دارای جامعیت باشد. یعنی آن‌طور نباشد که انسان وقتی

۱ آیه ۵۳ سوره یوسف

می‌شوید، تا آن‌جا که اسمش شده جهاد اکبر، یعنی موضوع در این سطح است. در یک چنین مواجهه‌ای حتماً موضوع برنامه‌ریزی و مشارطه با نفس تأکید می‌شود به خاطر این‌که این نفس به این آسانی‌ها مهار نمی‌شود. لذا اگر شما با آن شرط و شروط نکنید، قرارهای جدی نگذارید حتماً و حتماً و حتماً سرتان را کلاه خواهد گذاشت. همان چیزی که از آن تعبیر می‌شود به «تسویل». یعنی انسان مبتلا می‌شود به تسویلات نفسانی. چنان ما را فریب خواهد داد، چنان از این منزل به آن منزل خواهد برد، چنان ما را دچار تسویف و فردا فردا خواهد کرد به شکلی که انسان یک‌باره می‌بیند عمر عزیز از دست رفته و چیزی به دست نیاورده. علاوه بر این‌که چیزی به دست نیاورده بلکه کلی بار اضافه و امثال این‌ها هم با خودش برای سفر ابدی همراه کرده که حالا



به مجموعه وظایف و تهدیدها برنامه‌اش را تنظیم کند. این یک.

## ۲. در برنامه‌ریزی اولویت‌ها

### لحاظ شود

نکته دوم این‌که در برنامه حتماً اولویت‌ها لحاظ شود. اولویت هم این‌جا منظورمان مشخص است. با دو شاخص: ۱- از نگاه خدای متعال روی چه برنامه‌هایی تأکید شده؟ مثلاً شما می‌بینید که خداوند تبارک و تعالی به عنوان یک وظیفه روی موضوع نماز خیلی تأکید دارد، وظیفه جاری دائم. پس مسئله نماز ظاهری‌اش، باطنی‌اش در برنامه ما دارای یک اولویتی می‌شود. یا مثلاً فرض بفرمایید در مناسبات خانوادگی انسان می‌بیند که رعایت حرمت پدر و مادر، رسیدگی به آن‌ها، خدمت به آن‌ها و اطاعت از آن‌ها دارای اولویت در دستگاه الهی است. خیلی خدای متعال نسبت به این

دارد یک قراری را با خودش تنظیم می‌کند صرفاً به یک جنبه خاصی بخواهد بپردازد و بخش‌های دیگر را بخواهد فرو بگذارد. مسائل فکری و ذکری در برنامه ما باشد، مسائل حوزه عمل و جوارح در آن باشد، مسائل مربوط به فردی و شخصی باشد، احیاناً مسائل خانوادگی باشد، مسائل اجتماعی باشد. یعنی آن حوزه وظایفی که ما در ساحت قدس ربوبی در پیشگاه خدای متعال داریم در بخش‌های گوناگون مورد نظر در برنامه ما باشد. این می‌شود نکته اول که از یک جامعیتی؛ می‌گوییم جامعیت نگران نشوید، این را چه کسی می‌تواند یک برنامه جامعیتی بریزد؟ منظور این‌که انسان توجه داشته باشد که قرارهایی که دارد قرارهای یک جانبه نباشد. بتواند اطراف مسئله را ببیند که الان چه وظایفی متوجه من است؟ چه تهدیدهایی هم برای من وجود دارد؟ ناظر



مسئله اهمیت می‌دهد. هم‌ردیف فرمان به بندگی خودش فرمان احسان به پدر و مادر را قرار می‌دهد. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». پس مسئله دارای اهمیت است. یا مثلاً فرض بفرمایید در برنامه‌های الهی رسیدگی به نیازمندان دارای یک اولویت ویژه‌ای است، این دارای جایگاه خاص خودش هست.

## رعایت منهیات و محرمات در برنامه‌ریزی

محور دیگر مربوط می‌شود به منهیات و محرمات. می‌بینید باز روی بعضی از موضوعات خیلی تأکید وجود دارد که اگر یک وقت انسان گرفتار ارتکاب آن‌ها بشود خسارتش خیلی عظیم است، آن‌ها را انسان باید در حوزه برنامه خودش به آن اولویت بدهد تا در مسیر صیانت بشود. مثلاً فرض بفرمایید در بین گناهان غیبت خیلی

۲ آیه 23 سوره اسراء



نفرت‌انگیز است. حالا بگذریم از این‌که در بین ماها متأسفانه این قدرها نفرت‌انگیز نیست. ولی خودش واقعاً موضوع بسیار زشت و کریهی است. یا مثلاً فرض بفرمایید در بین حالات اگر کسی گرفتار حسد باشد خیلی باطن او زشت می‌شود و خیلی از حسنات انسان عملاً با حسد نابود می‌شود. اگر یک وقت حسد در قلب انسان باشد این جور است. یا مثلاً عجب ضریب می‌گیرد. یک کسی دائماً کارهای خودش به چشمش بیاید، کارهایی مثلاً حسناتی، نمی‌دانم چیزهایی داشته باشد، ظاهری، باطنی و امثال این‌ها؛ ببینید این‌ها ضریب می‌گیرد. بنابراین از منظر حق تعالی آن چیزهایی که دارای اهمیت هستند از نظر ما بیابند در بافت برنامه ما در صدر قرار بگیرند.



## زیست عقیفانه

ما، هم برای آقایان هم برای خانم‌ها. اما خب در زیست خانمانه این دارای یک رتبه خاصی می‌شود. مابه‌ازاء آن در زیست عقیفانه، در معاشرت‌های اجتماعی، مسئله بهره‌مندی از پوشش مناسب، این باز می‌آید در زمره آن مواردی که دارای اهمیت است. بگذرید از این‌که باز در گفتمانِ شیطانِی معاصر همه فشار بر این است که این مسئله و اهمیت آن را کم نشان بدهند. در حالی که در نگاه شریعت حقیقتاً دارای اهمیت بالایی است. یعنی در سلوکِ مؤمنانه یک بانو، آن پوششِ ویژه‌ی خانمانه دارای رتبه قابل توجهی است. بنابراین ملاحظه‌اش و مراعاتش می‌آید جزء آن اولویت‌ها.

در مورد زیست خانمانه موضوع حیاء ضریب جدی می‌گیرد. یعنی دارای رتبه بسیار بالایی است. اگرچه حیاء اساساً موضوع انسانی است، به فطرت انسانی برمی‌گردد. در اصل مرد و زن نمی‌شناسد. اما وقتی نوبت به خانم‌ها می‌رسد ضریب می‌گیرد. ضریب آن هم نُه به یک است. یعنی تأکید آن در کلمات اولیاء خدا این است که برای خانم‌ها نُه برابر بیشتر از آقایان است، باید مدنظر قرار بگیرد. دلایلش در جای خودش مضبوط و مباحثه شده، شما هم کم و بیش باخبر هستید. خوب هم هست بیشتر از این‌ها انسان راجع به آن کار کند.

من در آن بحث کلیدهای خوشبختی بحث حیاء را یک مقدار به آن بیشتر پرداخته بودم. فکر می‌کنم ده برابر آن باید راجع به آن صحبت شود. مخصوصاً این روزها، این زمانه

## نقاط قوت و ضعف خودمان را بهتر بشناسیم

پس ۱- از نگاه خدای متعال  
۲- ناظر به ویژگی‌های هر  
کسی است. این هم می‌شود



پس شاخص دوم. یعنی چه؟  
گفت: «بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ  
بَصِيرَةٌ»؛ هر کسی خودش  
را بهتر می‌شناسد». ما نقاط  
قوت و ضعف خودمان را بهتر  
می‌شناسیم. انسان متناسب با آن  
قوت و ضعف‌هایی که از خوش  
سراغ دارد باید در بافت برنامه‌ای  
به آن بخش‌ها بیشتر توجه  
کند. مثلاً یک وقت یک کسی  
می‌بیند که حالا فارغ از آن حوزه  
اهتمام الهی در همان بافت است،  
در همان بافت نگاه می‌کند ببیند  
مثلاً من اتفاقاً در موضوع ارتباط  
با پدر و مادرم مشکل دارم.  
می‌بینی گاهی انسان این‌جوری  
است. حالا به دلایل خودش.  
مثلاً ممکن است یک دلیلش هم  
اساساً رفتار پدر و مادر با انسان  
باشد. مثلاً یک کسی می‌گوید  
در این زمینه من مبتلا هستم؛  
(به فرض، نمی‌خواهیم خدای  
ناخواسته تقصیر را به گردن کس  
دیگر بیندازیم) ولی علی‌الفرض  
ریشه‌اش این است که پدر من  
آیه 14 سوره قیامت ۳

یا مادر من آن رعایت‌های لازم  
را در مناسبات با فرزندان‌شان از  
جمله با من ندارند یا اصلاً در  
مورد خود من مثلاً این‌جوری  
هستند. خوب این‌جا انسان باید  
به آن بخش توجه‌اش را به‌طور  
خاص منعطف کند و آن را  
برجسته‌سازی کند. یا یک کسی  
مثلاً فرض بفرمایید که براساس  
خودشناسی‌ای که دارد می‌بیند  
دائماً از منظر زیاده‌گویی دارد  
آسیب می‌بیند و خیلی حرف  
می‌زند یا از این زاویه دارد  
لطمه می‌خورد، این از زاویه  
هرزه‌گویی یا لغو، ابتلاء به لغو،  
این هم خودش می‌شود منشأ  
خسارت‌های بزرگ. بنابراین در  
مشارطه باید برای این موضوع  
یک اولویتی قرار بدهد. چون  
این خودش را می‌شناسد که  
من از کجا دارم ضربه می‌خورم.  
«بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ  
بَصِيرَةٌ»، آن‌ها را در برنامه از درون شرط و  
قرارهایی که می‌خواهد با خودش  
بگذارد اولویت بدهد تا بتواند



از عهده بریاید. این نکته دوم.

### ۳. برنامه‌ریزی طبق محکّمات الهی

نکته سوم این که شرط و شروطی را که ما با خودمان معین می‌کنیم، این شروط باید شروط مطمئنی باشند. یعنی براساس قواعد الهی باشند. مبتنی بر نگاه شرعی باشند. این جور نباشد که انسان از خودش بخواهد یک چیزهایی در بیاورد. یک اختراعاتی را، یک اختراعاتی داشته باشد بعد بخواهد آن‌ها را مثلاً بیاورد در قرارها و درون برنامه‌های جاری خودش. این جا داریم، بعضی‌ها مبتلا هستند. یا بعضی از نحله‌هایی وجود دارد که از این قواعد خارج می‌شود. بنابراین طبق محکّمات الهی؛ یعنی چیزهایی را که ما با خودمان قرار می‌گذاریم قرارهای خدای متعال با ما باشد. عهد الهی با ما باشد که فرمود: «لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ

يَا بَنِي آدَمَ؟» یک فصلش این است که «أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ»، از شیطان تبعیت نکنید. «لَا تَعْبُدُوا» یعنی «لا تطیعوا»، شیطان را نپرستید. شیطان پرستی یعنی اطاعت شیطان و شیطان‌زدگی. بنابراین آن‌جا می‌فرماید مگر من با شما عهد نکردم؟ خب این عهد الهی است دیگر. تمام گناهان که می‌شود فهرست پیشنهادهای شیطان، عهد خدای متعال با انسان این است که تمام این‌ها را رها و ترکش کند. از آن طرف همه واجبات می‌شوند عهد خدای متعال با ما. هر چیزی که خدای متعال بر ما واجب کرده آن عهد الهی است. بنابراین بعدش می‌فرمایند: «وَأَنْ اعْبُدُونِي» یعنی از شیطان تبعیت نکنید. بعد می‌فرماید: «وَأَنْ اعْبُدُونِي» از من تبعیت کنید. چون من به شما امر کردم، این‌ها را درون متن برنامه زندگی و سیر و سلوک خودتان قرار بدهید. بنابراین مسئله مطمئن

آیه 60 سوره یس ۴  
آیه 61 سوره یس ۵



را بگذار درون قرارهای خودت، یعنی این را اولویت می‌دهند. بعد هم می‌گفتند که آقا، این که نیاز به استاد ندارد که، چون همه‌اش می‌گویند که آقا من که استاد ندارم یا مثلاً استاد می‌خواهم. استاد به جای خودش محفوظ؛ اما این‌جا خدای متعال شما را راهنمایی کرده، اولیاء خدا شما را راهنمایی کردند. انسان همین‌ها را ترک کند، این چیزهایی که خدای متعال بر ما حرام کرده، این‌ها را ما بر خودمان تحریم کنیم. اگر چیزی را بر ما واجب کرده ما هم همان‌ها را بر خودمان واجب کنیم. شما مراجعه کنید بخش عمده‌ای از بزرگان ما یک فصل مفصلی در این باب تأکید دارند.

## تاکید بر رعایت برخی از مستحبات

یک بخشی هم مربوط به مستحبات است. یعنی این که انسان با این قرارها می‌تواند

بودن و محکم بودن در قرارها از این منظر که ما مطمئن باشیم این‌ها همان چیزهایی است که خدای متعال از ما خواسته از این جهت کار آسان‌تر می‌شود و جلوی بعضی از این کارهای پیچیده سلوکی یا پیچیدگی‌هایی که بعضی از ارباب سیر و سلوک دارند از آن‌ها خارج می‌شوند.

## توصیه بزرگان بر ترک گناه

خدای متعال اساتید ما را همه‌شان را رحمت کند. ولی از جمله مثلاً مرحوم آیت‌الله بهجت (اعلی‌الله مقامه الشریف) این‌جوری بودند. مرحوم آیت‌الله خوشوقت (رضوان‌الله تعالی علیه) این‌جوری بودند. یعنی در توصیه‌های‌شان تا مدت‌ها شما مراجعه می‌کردید می‌فرمودند که شما گناه نکنید. این معنایش این بود که شما تا مرتکب گناه می‌شوید توقع نداشته باشی به جایی برسی. این یعنی خودش کار شما را خراب می‌کند. بنابراین اول برو این



بعضی از مستحبات را بر خودش تأکید کند، یک جاهایی هم بر خودش واجب کند. نه این که مستحب واجب بشود، ولی امر مستحبی است در نزد خدای متعال من می بینم این خیلی به کار من می آید یا بزرگان ما خیلی دارند تأکید می کنند، مثلاً خیلی تأکید می کنند که آقا اگر شما بخواهید رشدی داشته باشید و امثال اینها باید فرض بفرمایید که مثلاً بخشی از سحر را بیدار باشید. خیلی خوب! همه گفتند. قرآن می گوید، اولیاء خدا می گویند، در کلمات اولیاء هست، این که انسان این را بیاورد برای خودش یک الزامی درست کند؛ حالا اگر همه ی شبها را نه، بعضی از شبها را، اگر زمان طولانی نه، یک زمان کوتاهی از سحرها را مثلاً برای خودش خلوت با خدای متعال را قرار بدهد این می شود جزء آن قرارهایی که شما خیالت راحت است که این قرار درستی است

که من دارم برای خودم معینش و تأکیدش می کنم. می آید در همان فهرست. یا مثلاً فرض بفرمایید اگر فرمودند که نمازهای تان را بخوانید، یک تأکید ویژه ای راجع به رعایت وقت دارند. وقت نماز یک وقت موسع است، یعنی از وقتی که واجب می شود بر شما تا وقتی که قضا می شود یک زمانی می خواهد، ولی به من و شما گفتند که اول زمان نسبت به آخر زمان مثل فاصله دنیا تا آخرت است. یعنی اول وقت می شود به منزله آخرت، آخر وقت می شود به منزله دنیا. می شود بین دنیا و آخرت واقعاً فاصله را محاسبه کرد؟ با این که امر یک امر وجوبی به آن معنا نیست. یعنی این که در اختیار شما گذاشتند شما می توانید مثلاً اول وقت بخوانید، می توانید وسط وقت بخوانید، می توانید آخر وقت بخوانید. اما اگر یک کسی معین کرد بر خودش که قطعاً اول وقت نمازش را بخواند



حتماً تلاوت کند. حالا پنجاه آیه بخواند، مثلاً صد آیه بخواند، دو صفحه بخواند، پنج صفحه بخواند، متناسب با شرایطی که دارد این را بیاید در بافت برنامه‌ای‌اش و مورد تأکید قرار بگیرد. پس یکی هم این بحث محکم بودن و مطمئن بودن. این را از این جهت عرض کردم چون بعضی‌ها یک چیزهایی را باب می‌کنند، این‌ها خیلی ربطی به این سلوک الهی ندارد. یک کسانی یک چیزهایی را مثلاً پیشنهاد می‌دهند من نمی‌دانم از کجا این‌ها را پیشنهاد می‌دهند یا حداقل این‌ها که اطمینان نداریم. مثلاً آقا برو هزاربار فلان چیز را بگو. یک کسی آمده بود پیش من می‌گفت که به من شما یک ذکر سنگین بدهید. من تعجب کردم گفتم نمی‌فهمم شما چه می‌فرمایید. گفتم نه آقا، شما دارید من را مثلاً رد می‌کنید. گفتم نه، من شما را رد نمی‌کنم. یک جوانی بود. ذکر

این از نظر سلوکی یک اتفاق بزرگ است. چون این محبوب خدای متعال است. استحبابش هم خیلی جدی است، در این حد‌ها است. بعضی چیزهایی که مستحب هستند از این قبیل است. به بعضی از اذکار مثل ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) اگر انسان در وقت‌های مختلف مانوس باشد، آن‌چه بعد از نمازها در اذکار هست، تعقیبات یا استقبال از نماز؛ حالا به عنوان مثال من اطراف نماز مثال‌هایش را می‌زنم و از این قبیل. آن چیزهایی را که نزد خدای متعال هم محبوبیت دارد، این‌ها را انسان می‌تواند مجدد در بافت برنامه خودش بیاورد و بعضی را می‌تواند مورد تأکید قرار بدهد. مثلاً تلاوت قرآن کریم، تلاوت روزانه ولو مستحب است ولی جزء مستحبات بسیار پیش‌برنده است. مستحب مؤکد است که انسان روزی یک مبالغی قرآن



سنگین اصلاً یعنی چه؟ این‌ها آن چیزهایی است که مربوط به بعضی از خواص است، آن‌هم در یکی از مراتبی است، آن‌به جای خودش محفوظ، این خیلی ربطی به من و شما ندارد. می‌گوید آقا، ذکر سنگین به من بده، لابد مثلاً من از اول شب بنشینم تا سحر مثلاً مدام «یا قدوس» بگویم یا مثلاً فلان کلمه را بگویم. بعضی‌ها خیال می‌کنند سلوک یعنی این، در حالی که نه، این‌جوری نیست واقعا، این‌که گفتم باید مطمئن باشد منظوم این است. یک چیزهایی باشد که دلالت‌های روشنی دارد، در نگاه خدای متعال مورد تأکید است، در منظر اولیاء مورد تأکید است، در متن قرآن است، مثلاً فرض بفرمایید در کتاب رساله عملیه است. روشن پیش ما قرار گرفته. ما همین‌ها را التزام پیدا کنیم به آن‌جایی که باید انسان برسد می‌رسد. خیلی نیاز به این کارهای عجیب غریب

و نمی‌دانم از این چیزها ندارد. البته مثلاً در بین آن مستحبات مثلاً فرض بفرمایید در زیارت ائمه هدی (علیهم‌السلام) خیلی تأکید شده اگر زیارت حضوری باشد، انسان شرفیاب بشود به مضجع تابناک‌شان بهتر است. نه، اصلاً همین‌جور از راه دور باشد؛ این‌که انسان ولی کامل را زیارت کند، مخصوصاً حضرت اباعبدالله (علیه‌الصلوة‌والسلام) را با متن‌های خاصی مثل زیارت عاشورا، مثل زیارت امین‌الله، از این قبیل، خوب این‌ها چیزهای خوبی هستند. بعضی‌ها این را مثلاً بر خودشان قرار می‌کنند. این قرار خوبی است که آقا ما در یک ترتیب زمانی مثلاً این را هر روز داشته باشیم. مثلاً هر روز یک سلامی به اباعبدالله (علیه‌السلام) بگویید، چقدر خوب است. هر روز به حضرت ولی‌الله‌الاعظم (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) سلامی بکند، ولو حالا از زیارت‌های مأثور مثل همین زیارت آل‌یاسین، یا



سخت‌گیری مطلوب است، چون بالاخره یا واجب است یا حرام است. اما در موارد شبیه مستحبات و در مورد مثلاً شبیه مکروهات و یک مواردی که مربوط می‌شود به حالات باطنی و عادات؛ انسان مثلاً یک عادت دارد، یک حالتی دارد، مثلاً همین موضوع حسد که گفتم خدمت‌تان یا حالت تکبر، حالت عجب، امثال این‌ها است، تا بخواهد این را اصلاحش کند این جور به خودش یک مقدار زمان هم بدهد، یعنی نگیرد یک برنامه‌ای بچیند که این برنامه همه‌اش شکست بخورد. اگر برنامه‌ی ما برنامه‌ی متعادل و متوازنی نباشد، یعنی در آن افراط وجود داشته باشد، افراط همیشه منجر به تفریط می‌شود. مکرر خود ماها تجربه کردیم، کسانی هم که با ما در این زمینه‌ها مشورت کردند تجربیات‌شان را به ماها نقل کردند که آقا مثلاً این برنامه‌ی ما همه‌اش شکست می‌خورد و ما در این

همین زیارت مختصری که بعد از نماز صبح هست، چند جمله کوتاه است همان را بگویند یا نه، هیچ‌کدام این‌ها هم نیست، همین جور خودش شروع کند با حضرت حجت (سلام‌الله‌علیه) یک چند کلمه‌ای حرف بزند. سلام کند، عرض ارادت کند، عرض دلدادگی کند، کمک‌خواهی کند. این هم می‌شود یک نکته.

#### ۴. ادب مراعات در برنامه‌ریزی و مشارطه

نکته چهارم این‌که طبعاً در برنامه‌ریزی، در مشارطه انسان باید مراعات هم داشته باشد. مراعات هم یعنی این‌که این جور نباشد که مخصوصاً در محور مربوط به مستحبات یا مثلاً ترک مکروهات و امثال این‌ها بخواهد به خودش خیلی سخت‌گیری کند. در مورد محرمات سخت‌گیری مطلوب است، در مورد واجبات





برنامه‌مان موفق نمی‌شویم. خوب علت‌هایی می‌تواند داشته باشد، یکی از علت‌ها این است که این برنامه دارای تعادل و توازن نیست و وقتی که متوازن نیستند طرف یک‌دفعه متوجه شده که تلاوت قرآن چقدر و چقدر مثلاً فضیلت دارد، حالا یک‌دفعه مثلاً من باید روزی یک جزء قرآن بخوانم، بعد نتیجه‌اش این خواهد شد که روزی یک صفحه هم نمی‌خواهد بخواند، روزی نیم صفحه هم جا گذاشته. خوب چرا انسان بیاید خودش را وارد شرایط افراطی‌ای به این کیفیت بکند؟ یا مثلاً کسی که در محور معاشرت‌های گسترده به‌ویژه معاشرت‌های کلامی و هرزه‌گویی‌ها و امثال این‌ها اطلاعاتی دارد خوب این یک‌دفعه بشود خاموش، برای خودش مثلاً یک چنین قراری بگذارد که من دیگر رفته درون فضای سکوت. هم زننده می‌شود هم انگشت‌کش می‌شود، یعنی

دیگران همه به او توجه پیدا می‌کنند که این چه شده؟ علاوه بر این که نمی‌تواند رعایت کند خوب، یک مدت هم رعایت کند طبعاً دوباره این رعایتش شکسته خواهد شد. یا بعضی وقت‌ها آثار خوبی هم ندارد، آقا روزه‌ی مستحبی خوب است چقدر هم تعریف می‌شود اما خوب بالاخره یک اندازه‌ای دارد. اگر انسان یک‌دفعه برای خودش قرار بگذارد که من مثلاً با توجه به شرایط جسمی‌اش، شرایط کاری‌اش، شرایط خانوادگی‌اش، مثلاً من فلان دو روز در هفته را حتماً می‌خواهم روزه بگیرم، بگویند من همه‌ی دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌های سال را می‌خواهم روزه بگیرم. حالا بعضی‌ها برای این که این کار سلوکی‌شان را محکم‌کاری کنند این را برای خودشان عهد و قسم هم می‌کنند، نذر هم می‌کنند که حالا بیا و درست کن، یعنی برای خودش با نذر



مستحیی یا امثال این‌ها را ممکن است انسان ماهی یک‌بار انجام بدهد. بنابراین داشتن برنامه‌های ماهانه به این معنا خوب است. یا مثلاً بعضی برنامه‌ها هفتگی است ولی بعضی از برنامه‌ها حتماً باید در تمام شبانه‌روزها تکرار بشود و وجود داشته باشد. بنابراین این‌که برنامه‌ی ما زمان‌مند باشد خیلی مهم است.

نکته‌ی بعدی این‌که در موضوع مستحبات توصیه شده که انسان برنامه‌های مستحیی را که دیگر حالا تصمیم می‌گیرد که مثلاً در برنامه‌های خودش قرار بدهد، برنامه‌های مستحیی را حداقل یک چهل روز به صورت جدی ادامه بدهد تا این برایش تبدیل به یک عادت بشود. مثلاً فرض بفرمایید که می‌خواهد نماز اول وقت را برای خودش جدی کند، خیلی خوب یک چله این را مراقبت کند که نمازهایش اول وقت باشد. مثلاً آقا من روزی دو صفحه تلاوت یا روزی یک

واجب کرده که اگر بشکند گرفتار کفاره و امثال این‌ها هم می‌شود. خوب چرا؟ این چه طرز برنامه‌ریزی است؟ انسان باید این‌جاها برنامه‌اش متوازن و متعادل باشد، این را اصطلاحاً به آن می‌گویند «ادب مراعات»، یعنی انسان مراعات حال خودش را داشته باشد که گرفتار افراط و تفریط در برنامه نشود. این هم نکته‌ی چهارم است.

## ۵. زمان‌بندی در برنامه‌ریزی

نکته‌ی بعدی این‌که برنامه‌اش را حتی المقدور زمان‌مند کند، یعنی مشخص باشد، برنامه‌های روزانه ما معمولاً این‌جوری است، این چیز خوبی است. برنامه‌های روزانه، برنامه‌های هفتگی، برنامه‌های ماهانه و برنامه‌های سالانه که معمولاً جمع‌بندی برنامه‌های ما تبدیل می‌شود به یک برنامه‌ی سالانه. اما بعضی از برنامه‌ها، از همین کارهای



دارد. خب این را متوجه شده، حالا می‌خواهد بگذارد درون برنامه‌ی هر شب خودش، خیلی هم وقت نمی‌گیرد، می‌دانید جزء سوره‌هایی است که صد آیه، نود و نه‌تا، صدتا آیه دارد منتها آیاتش کوتاه است، بعضی از آیه‌هایش یک یا دو کلمه است، خیلی چیز مفصلی نیست، حفظ آن هم خیلی آسان است. خب این را انسان بگذارد درون برنامه‌ی خودش، مثلاً هر شب این را به عنوان مثال بخوانند. اگر خواست یک‌جوری تنظیم کند که یک سال ترک نکند تا شب قدر بر آن بگذرد. خب این در روایات ما مورد تأکید هست. پس نکته‌ی بعدی این زمان‌مند بودنش است.

### در نظر گرفتن برنامه ورزشی

یک تنظیم زمانی راجع به برنامه‌هایش، مخصوصاً برنامه‌های ایجابی؛ برنامه‌های سلبی اگر در حوزه‌ی محرمات

آیه‌ی با تفسیر و تدبیر، این را برای خودش می‌آورد درون برنامه. خب این را حداقل چهل روز ادامه بدهد تا این مسأله طی یک چله بر نفسش هموار بشود، در این کار روان بشود، حالا جزء عادات پسندیده‌اش بشود. لذا مسأله‌ی چله از این جهت اهمیت دارد. یا بعضی از آن مراقبت‌هایی که در محور ترک بعضی از چیزهای نامناسب انسان در زندگی‌اش دارد آن هم کمک‌کننده است که یک چله اهتمام بورزد. در بعضی از روایات روی یک سال تأکید شده، فرمودند شما هم اگر یک عادت خوبی را خواستید داشته باشید یک سال که بر آن شب قدر بگذرد به آن اهتمام داشته باشید. مثلاً انسان متوجه می‌شود که تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی واقعه یک آثار خاصی دارد. واقعاً هم این‌جوری است خیلی آثار شگفتی دارد، در گشایش زندگی انسان، روزی‌اش، خیلی آثار مادی و معنوی عجیبی



این وابسته‌ی به این است که ما یک تحرک مناسبی در یک حدی داشته باشیم و با توجه به مأموریت‌های ویژه‌ای هم که معمولاً خانم‌ها دارند یا شرایط خاص جسمی‌شان این اقتضاء می‌کند که بر آن‌ها یک تأکید خاصی پیدا بشود. اگر واقعاً امر سلامت عمومی جنابعالی وابسته‌ی به یک تحرک مثلاً روزانه، هفتگی مناسبی باشد و شما آن را ترک کنید خب گرفتار سؤال الهی خواهید شد که شما سلامت‌تان را چرا از دست دادید یا جدی نگرفتید؟ این را انسان باید بگذارد درون بافت برنامه، این باید زمان‌مند کند. اگر قرارها زمان‌مند نباشد گرفتار تصویف می‌شود. امروز یا فردا، این هفته یا آن هفته، این ماه یا آن ماه، بعد هم چیزی از درون آن در نمی‌آید. پس این هم یک نکته، حالا من ورزش را خواستم بیاورم ضمن آن محکماتی که واقعاً جدی گرفته بشود.

باشند زمان نمی‌خواهد ولی مراقبت‌های زمانی می‌خواهد که حالا آن را در جای دیگری عرض خواهم کرد. ولی در مستحبات، در امور مکروه، کارهای خوبی که انسان می‌تواند این را بیاورد درون برنامه‌ی خودش، حالا من به عنوان مثال به شما عرض کنم، مثلاً فرض کنید که به‌ویژه در زمان ما و به‌ویژه برای خانم‌ها و به‌ویژه برای خانم‌های جوان در سن و سال شماها ورزش واجب است، یعنی یک چیزی است که برای زیست سالمش، برای امتداد زندگی‌اش، برای عافیت عمومی‌اش ورزش جزء واجبات است. خب این واجب، واجب شرعی نیست به این معنا که بگوییم مثلاً در قرآن و روایات و در رساله‌ی توضیح‌المسائل و این‌ها آمده. زمانه و شرایط این را می‌گوید، امر مستحسنی است. بله از جهاتی مثلاً ممکن است بگوییم چون مسأله‌ی حفظ سلامت بر انسان واجب است و



خوب بریاید. این یعنی آن جاها گرفتار می شود. حتی مثلاً بعضی از این نمازهای مستحبی، بعضی از این سحرخیزی ها، بعضی از این برنامه های اجتماعی، برنامه هایی که مستلزم یک بدن سالمی هست. لذا می خواهم عرض کنم این می آید جزء آن فهرست واجبات، متها باید زمان مند بشود. یک زمانی را انسان مشخص کند با خودش قرار بگذارد، و الا اگر قرار نگذارد نیاید درون مشارطه به جایی نمی رسد. این هم پس یک نکته است، البته من این جا یک چیزی را هم نوشتم و آن این که مثلاً مشارطه ی ما و قرارهای ما مضبوط هم باشد، مضبوط یعنی بنویسیم، ثبت و ضبطش کنیم، منظورم این است. خیلی ها می گویند که آقا ما برنامه مان در ذهن مان است، ان شاء الله موفق باشید. مثل خیلی از شاگردها که نمی نویسند می گویند آقا ما درون ذهن مان نوشتیم، خوب

قبلاً همین جوری ورزش می کردند، آن نسل گذشته، مادر بزرگ های ما، مادرهای ما، این جوری بودند، یعنی کارشان، محیط زیست شان، خانه شان، صحرا و فعالیت های کشاورزی و چه می دانم پای تنور و... این گونه بود. مثلاً خود ما مکرر دیده بودیم مادر بزرگ ما چه می کرد، مادر ما هم تا حدی مثلاً دیدیم، حالا نوبت رسید به همسر ما و بچه های ما. دیگر حالا شرایط یک مقدار گرفتار تغییر و تأسیس شده اما تحرک خیلی پایین است، تحرکی که منجر به متابولیسم و گردش سوخت و ساز مناسب در بدن بشود خیلی کم شده، الان هم که این فضای مجازی و این داستان ها که دیگر خدا عاقبت همه را به خیر کند. ما یک نسل بیماری داریم مشاهده می کنیم، واقعاً که خیلی ضعیف، خیلی دارای بنیه ی کم؛ خوب انسان با بنیه ی کم و ضعیف که نمی تواند از عهده ی خیلی از این واجبات



زمینه بالاخره یک مسئولیت‌هایی دارم ولی بیننا و بین الله ارتباط با مسجد و نماز جماعت؛ شما دیدید که در کتاب‌های توضیح المسائل و این چیزها که مسائل نقل می‌شود، خوب برای خانم‌ها هم راجع به نماز جماعت هم راجع به نماز جمعه به آن زیاد تأکید نمی‌شود، اما این که نمی‌شود به جهت احترام به خانم‌ها است. یعنی این جور نیست که مثلاً اگر وجوب نماز جمعه با فرض این که یک فقیهی اعتقاد به وجوب عینی تعیینی داشته باشد بعد همان شخص را وقتی به رساله‌اش مراجعه کنید می‌بینید نوشته که برای خانم‌ها واجب نیست، یا مثلاً آن استحباب تأکیدی و تأکیدهای فوق‌العاده یا مثلاً که در مقابلش یک عقوبت‌هایی یک چیزهایی وجود دارد که اگر انجام ندهند در مورد نماز جماعت در مورد خانم‌ها این‌ها تأکید نشده. این به نوعی به اصطلاح برمی‌گردد

ان شاء الله موفق باشید! این را باید انسان ثبت و ضبطش کند، یعنی واقعاً تنظیم کند، مضبوط کند، بنویسند تا این تعهدات جلوی چشمش باشد، برای مراحل بعدی بتواند از این‌ها استفاده کند.

من پیشنهاد مراجعه‌ی به رساله‌ی حقوق امام سجاد (علیه‌السلام) برای بازشناسی بعضی از وظایفی که کمتر به آن توجه داریم و پیشنهاد مراجعه‌ی به کتاب شریف «گناهان کبیره» مرحوم آیت‌الله دستغیب را برای توجه به بعضی از گناهانی که ماها به آن ابتلاء داریم و در زمره‌ی گناهان کبیره و بزرگ هم هست که به آن وعده‌ی جهنم و این‌ها داده شده این را پیشنهاد می‌کنم که مدنظر باشد.

از جمله چیزهایی که به نظرم می‌آید یکی این بحث ورزش بود که من در ذهنم بود که در کنار آن فهرست‌ها عرض کنم که خوب شد خاطر من آمد به شما بگویم و یک نکته هم نه از این جهت که من الان در این



به آن مباحث فنی که ما در الگوی تعالی و امثال این‌ها بعضی از مبانی‌اش را مباحثه کردیم. ولی در واقع یک نوع نگاه تکریمی است، این تکریم خانم‌ها است که این توجه شده به این‌که این‌ها وظایف خانوادگی را دارند، مسئولیت مادری دارند، مسئولیت همسری دارند، یک وظایف ویژه‌ای متوجه‌شان هست. براساس آن وظایف خاص، خدای متعال در واقع ارفاق کرده. نکند این ارفاق ما را به این سمت ماجرا بیاورد. خب آن نگاه تکریمی است، اما اگر این بانوی مکرم مثلاً ارتباط با مسجد را با یک نظم مناسبی بگذارد درون برنامه‌ی خودش، مسجد محل‌شان برود، مخصوصاً این‌که وقتی خانم‌ها می‌روند خانوادگی می‌روند، بچه‌ها را می‌برند، یک مقدار دوستان‌شان را خبر می‌کنند، این هم برای خودشان بسیار سازنده و پیش‌برنده است.

حالا در این میان نماز جمعه البته دارای یک رتبه‌ی خاص و فضیلت ویژه‌ای است که ولو مثلاً فقهای ما عموماً از جمله امام راحل عظیم‌الشان، امام حاضر عالی‌قدر، این‌ها این را می‌برند درون وجوب تخییری، یعنی می‌گویند که ظهر جمعه شد انتخاب کن می‌خواهی نماز ظهرت را بخوان، می‌خواهی مثلاً نماز جمعه بخوان. ولو این‌چنین هست، ولی طرفین این تخییر اصلاً با همدیگر قابل مقایسه نیستند. حالا شرایط خانم‌ها روزهای جمعه اولاً که خب خانواده‌شان را تشویق کنند، بچه‌ها را تشویق کنند، همسرشان را تشویق کنند، این‌ها که به جای خودش محفوظ است؛ خودشان برنامه‌ی خانه را یک شکلی تنظیم کنند تا بتوانند در نماز جمعه حضور پیدا کنند، بیاورند درون بافت برنامه‌ای. بعضی از کارهای‌شان مثل این‌که مثلاً می‌خواهند غذایی درست



را هم خواستم تأکید کنم. خب امان از وقت که رو به پایان است، نکته‌های مربوط به مراقبه و محاسبه و معاتبه، یعنی آن سه رکن بعدی؛ ان‌شاءالله اگر عمری و توفیقی بود در جلسه‌ی آینده خدمت‌تان تقدیم خواهد شد.

### سؤالات مخاطبین

**سؤال:** حاج آقا پرسیدند که این برنامه‌ریزی‌ها را معمولاً تا یک هفته، ده روز پیش می‌رویم ولی بعدش دچار کسالت می‌شویم، چکار کنیم؟

**جواب:** معمولاً این‌جوری است که گاهی برمی‌گردد به نوع برنامه که عرض کردم، گاهی برمی‌گردد به طبع ما که همان نفس تبیل است. این را هم چاره‌ای نیست که باید به آن الزام کنید، بعد هم آن بحث‌های بعدی ما به آن ضمیمه می‌شود.

کنند، می‌خواهند مهمانی داشته باشند، مهمانی‌ها را به سمت شب یا روز پنج‌شنبه منتقل کنند، ظهر جمعه را حتی‌المقدور برای نماز جمعه نگهداری کنند.

چون در هفته‌ی آینده روز نماز جمعه را داریم الان ذهن من یک مقدار در این موضوع فعال‌تر است. خواستم عرض کنم از این فضیلت بزرگ محروم نشوید،

بباید درون برنامه و این هم از جمله چیزهایی است که اگر انسان در برنامه نیابد گاهی می‌بیند مثلاً چند هفته محروم شدید. عملاً انسان یک‌دفعه نگاه می‌کند می‌بیند چه زمانی نماز جمعه رفته بود و حواسش نیست که در هر هفته‌ای حج و عمره و حسنات موقع رفتن و سبک‌باری که بعد از نماز جمعه پیش می‌آید، به شخص می‌گویند برو از نو شروع کن و همه‌ی این‌ها را به همین آسانی به‌خاطر بعضی از بی‌تفاتی‌ها و امثال آن از دست داده. این





داشته باشد، حالا موارد استثناء، آن‌ها هم تازه محل یک دقت‌هایی است که چطور آن‌ها اتفاق افتاده؟ این‌ها همه‌اش طبق قواعد است. این چیزها باید بیاید درون محیط دانش‌آموزی. یعنی خود ما حظ آن را ببریم، خود ما بچشمیم، سهم مربی استیفاء بشود، همه‌ی آن‌چه که من تا به حال خدمت‌تان گفتم همه‌اش قابلیت نسخه‌سازی دانش‌آموزی دارد. نسخه‌سازی یعنی آن وقت اندازه‌گذاری. بعد حالا به ادبیات، مثلاً این‌جا نیاییم یک کلمات مشارطه را به‌کار ببریم که مثلاً طرف حالا هم یک مقدار برایش سنگین باشد، همان کلمه‌ی برنامه‌ریزی را استفاده کنیم. اصلاً بدون این چیزها کسی کارش پیش نمی‌رود. این قواعد را هم استحضار دارید تمام قواعد عقلانی است، یعنی کاملاً در تمام دستگاه‌های فکری هست. حالا موضوعاتش عوض می‌شود ولی تمام انسان‌هایی

از جمله تضمین‌هایی که باید بگذارید، یعنی اگر شما در کارتان جدی باشید، آن‌وقت باید برای برنامه‌تان تضمین بگذارید، تضمین می‌رود درون آن باب معاتبه و معاقبه و امثال این‌ها، در حسابرسی‌ها، محاسبات منظم از برنامه، این‌ها سرجمعش کمک می‌کند که برنامه‌ی ما اجرا بشود. و آن نکته‌ای که عرض کردم مخصوصاً بعضی چیزهایی که باید تبدیل بشود به عادت سلوکی، یک چله، اهتمام بر آن بسیار پیش‌برنده است.

**سؤال:** حاج آقا پرسیدند که این بحث‌های مشارطه و مراقبه چه قدر درون فضای دانش‌آموزی لزوم دارد؟

**جواب:** اصلاً بدون این چیزها مگر کسی رشد می‌کند؟ مگر کسی به جایی می‌رسد؟ مگر می‌شود در آسمان باز شود یک نفری یک صعود شگفت‌انگیزی



برنامه‌ریزی‌ها بود. جدول برنامه داشتیم، جدول محاسبه داشتیم، خیلی شیرین بود، خیلی از این بچه‌هایی که شهید شدند بعداً جدول‌های محاسبه‌شان را دیدید شما، گاهی هم منتشر شده از بعضی‌ها، که مثلاً چه چیزهایی را برای خودش قرار گذاشته بوده، بعد چه جوری خودش را مثلاً محاکمه می‌کرده، چه‌طور خودش را تنبیه می‌کرده، اگر مثلاً من فلان کار را ترک کنم چه کنم. پس یک کسانی که رسیدند از همین راه رسیدند، یک راه خیلی منطقی و روشنی است. خدا ان‌شاءالله روزی کند.

شماها همه‌تان برنامه‌ریزی دارید، منتها ببینید این‌که بیاید تحت یک نظمی قرار بگیرد این فرق می‌کند. شما بگویید آقا بله من بارها با خودم مدام قرار گذاشتم، خوب ما همه‌مان دائم داریم با خودمان قرارهایی را می‌گذاریم، همین موفقیت‌هایی که شما

که به جاهایی رسیدند با قرارهای‌شان به جایی رسیدند، همه‌ی آن کسانی که به جایی رسیدند از قرارهای‌شان مراقبت کردند که رسیدند. در علم، در تحصیل، در تہذیب، در ورزش، حالا هرکسی به قله‌ها رسید با همین روش رسید. یا مثلاً برای آن برنامه‌ای که گذاشتند و تعهد به اجرایش هم دارم مسأله‌ی حسابرسی؛ یک وقتی باید بالاخره محاسبه کنند الان ما چکار کردیم، این‌که برنامه داشته باشند، برنامه‌شان بودجه‌بندی داشته باشد. اصلاً از قواعد عقلی است، این‌ها چیزهای شگفت‌انگیزی نیستند و اصلاً جز این هم راهی وجود ندارد برای این‌که انسان بخواهد به یک رشد مناسبی برسد و بتواند از این فرصتی که دارد و با سرعت از دستش می‌رود بتواند استفاده کند. می‌خواهم عرض کنم حتماً قابل نسخه‌سازی است. مثلاً زمان دفاع مقدس خیلی از این



«نظم سلوکی» نداریم. اگر نظم سلوکی باشد پیشرفت انسان یک پیشرفت متوازن منطقی می‌شود.

من خودم برای شماها عبرت هستم، امثال ما عبرت هستیم، یعنی به ما نگاه کنید و عبرت بگیرید. واقعاً کسانی که نظم داشتند و کسانی که در برنامه‌های‌شان دارای نظم بودند خیلی پیشرفت کردند، این‌ها هم یک التزامها، قرارها، تنظیم‌ها از نظم برنامه‌ای بگیرید تا نظم زمانی، مدیریت زمان و موفقیت‌های بزرگی داشتند، خوب توانستند از عرض عمرشان بهره‌مند بشوند، این‌ها عمرشان خیلی عریض شد، برکت پیدا کرد، تا یک کسانی که نه، همه‌اش در طول عمر حرکت کردند، در طول عمرشان هم تا دل‌تان بخواهد از دست دادند، مثل بنده و امثال ما. خب این دو عالم است، بنابراین رعایت‌ها چقدر خوب است.

داشتید در زندگی‌تان همه‌اش بر اساس همین قرارها بوده، در تحصیل‌تان، در خانواده‌تان، در مسائل اجتماعی‌تان، در مسائل تشکیلاتی‌تان، همه‌اش بر اساس همین قرارها و مراقبت‌ها و محاسبه‌ها بوده. اما حالا اگر این‌ها یک نظم پیدا کنند یک عالم دیگری پیدا می‌شود برای شخص. اما اگر انسان نظم نداشته باشد همه حرکتش می‌شود حرکت زیکزاک، یعنی حرکت متوازن رو به رشد نیست. یک‌جا می‌رود جلو، دوباره یک‌جا می‌خورد زمین، یک‌جا برمی‌گردد، یک‌جا عقب‌گرد می‌کند. گاهی بعضی بچه‌ها به من می‌گویند آقا من یک‌دفعه خوب داشتم می‌رفتم جلو، الان یک‌دفعه دیدم برگشتم رفتم عقب، مثل کسی که همین‌جور دنده عقب گرفته رفته همین‌جور رفتم عقب. خب اگر ما عقب‌روی داریم به‌خاطر این است که





موضوع بحث ما در باب قواعد عمومی جهاد اکبر می باشد. اینها قواعدی هستند که به هر یک از ما کمک می کنند تا در تربیت خودمان و در توسعه شخصیت خودمان، در حفاظت از شخصیت خودمان، در نگاهداشت خودمان بر صراط مستقیم بندگی موفق شویم و بتوانیم به شایستگی عمل کنیم. این قواعد، هم در مبارزه با قوه وهمیه، هم در مبارزه با قوه غضبیه و هم در مبارزه با قوه شهویه مارا یاری خواهد کرد. در هر سه میدان ما به لطف خدای متعال ان شاء الله می توانیم وارد یک مبارزه، جهاد و درگیری ظفرمند و کامیاب شویم.

«حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری»